PDF Compressor Free Version

# زخم‌های بزرگِ تن‌های کوچک

## روایت‌های تکان‌دهنده از کودکان جانباز جنگ

روزنامه شرق، در تازه‌ترین شماره خود، داستان جانبازی ۱۰ کودک را نوشت؛ کودکان ۱۰ تا ۱۳ سال که از نهم اسفند در جریان جنگ ۴۰ روزه موشک به خانه یا نزدیک خانه، در خیابان و ورزشگاه بر سرشان بارید؛ تکه‌تکه شد و به بدن کوچک و نحیفشان اصابت کرد. به صورتشان خورد و چشم‌ها را نابینا و گوش‌ها را ناشنوا کرد، به سر خورد و مغزشان را مصدوم کرد، به روده و معده و مثانه و کلیه خورد و از کار انداختشان. به رحم و ریه خورد و زمین‌گیرشان کرد، به پا خورد و معلولشان کرد. این ۱۰ نفر که در ماه‌های گذشته کم‌وبیش روایت‌هایی از آنها در رسانه‌ها منتشر شده، وضعیت خوبی ندارند؛ نه جسمی و نه روحی. تعداد کمی از آنها به مدرسه رفته‌اند، مثل آنیتا. اما خیلی‌های دیگر مثل معصومه که در بیمارستان بستری است یا امیرمحمد و میرسالار، با پای باندپیچی‌شده و وصله‌پینه‌شده با ابزار پزشکی، در گوشه اتاق چشم‌انتظار کسی یا خبری هستند، یا مثل نازنین‌زهرا که ترس از مدرسه‌رفتن دارد و کیانا که منتظر ویزیت دکتر نشسته تا برایش نوبت عمل بعدی را مشخص کند. بخش‌هایی از گزارش شرق را با هم می‌خوانیم.

سخت‌ترین روایت از میان چهار کودک کوهستکی برای کیاناست که به چشم خود دید برادر چهارساله‌اش جان می‌دهد. کیانا کریمی ۱۳ساله به‌تازگی مراسم چهلم برادر کوچکش را از سر گذرانده و بی‌حال خوابیده. مادر، الیزا قورچی‌زاده است که یک کودک چهارساله‌اش را از دست داد و حالا فرزند دیگرش هر روز با یک عارضه جدید بیدار می‌شود. کیانا خانه‌نشین شده.

او آن شب جلوتر از برادر و معصومه، کنار سارا قدم می‌زد که موشک‌باران شد. ترکش‌های اول به امیرمحمد و معصومه می‌خورد و بعد نوبت کیانا و سارا می‌شود. کلیه و مثانه‌اش آسیب دیده است و توان ندارد. او را به بیمارستان ابوالفضل میناب بردند و ۱۰ روز بستری شد. هزینه‌ها با خود بیمارستان بود. مادر می‌گوید از بالای سینه تا زیر ناف برش عمیقی خورده تا ترکش‌ها خارج شود، اما دردها پابرجاست. شکم‌درد دارد و پهلویش می‌سوزد. باید او را به بیمارستانی در یزد ببرند. چند بیمارستان در تهران و شیراز هم اعلام آمادگی کرده‌اند.

کیانا سرفه‌های زیادی دارد، همیشه بدنش، جای زخم‌ها و ترکش‌ها درد دارد، وقتی بلند می‌شود، وقتی می‌نشیند. مادر نمی‌داند آیا هنوز عفونتی داخل بدنش است یا خیر. ترکشی در بدنش هست یا خیر. او مدت‌ها به دلیل عفونت بالایی که داشت در بیمارستان بستری بود. برایش لوله‌ای خارج از بدن قرار داده‌اند. پای راستش می‌لنگد و کلیه همان طرف هم درد می‌کند. کیانا از آن شب موشک‌باران برای مادرش تعریف کرده و گفته است وقتی موشک می‌زد «انگار چند متر به هوا پرتاب می‌شدیم و می‌افتادیم زمین».

از همه اینها نگران‌کننده‌تر، حال روحی کیاناست. او با شنیدن هر صدایی وحشت‌زده می‌شود. این صدا می‌تواند گذرکردن یک موتورسیکلت از کنار خانه‌شان باشد. برای چهلم برادرش به مزار شهدا رفته بودند و آنجا حالش بد شده بود. او را پیش دکتر آشنایی به بندرعباس برده‌اند تا شاید برای حال روحی‌اش کاری کند: «می‌خواهیم پیش همان دکتر خودمان ببریمش که روان‌شناس است. مسئله، اما اینجاست که کیانا اصلا تمایلی به قرص‌خوردن ندارد. داروهای خودش را هم به‌سختی می‌خورد». کلاس هشتمی است و به دلیل قرارگرفتن در منطقه جنگی، کلاس‌هایشان آنلاین است. مادر در داغ ازدست‌دادن فرزند کوچکش امیرمحمد است، مراسم چهلم به تازگی تمام شده و مادر خسته است. می‌گوید بلوچ هستند و بلوچ‌ها تا ۴۰ شب میهمان دارند. بدن کوچک امیرمحمد را در قبرستان خانوادگی‌شان در کوهستک به خاک سپرده‌اند. برای مادر حالا امیرعلی کلاس چهارمی مانده است و کیانای کلاس هشتمی.

معرفی کتاب

# خوب‌های بد، بدهای خوب اثر سومان چینانی

کتاب خوب‌های بد، بدهای خوب، نوشته سوما چینانی است که با ترجمه نعیمه سادات حسینی منتشر شده است. این کتاب داستان زندگی مردم در یک روستا را تعریف می‌کند که متوجه می‌شوند هر چند وقت یک بار در یک شب خاص دو بچه از روستا دزدیده می‌شوند.

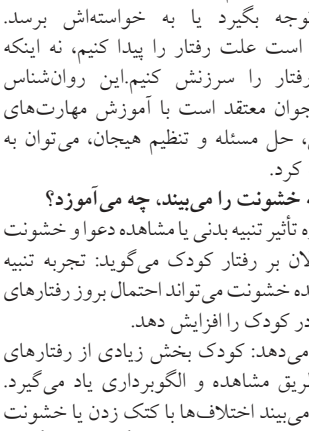

سوفی دختر زیبا و خودخواهی است که دوست دارد وارد دنیای قصه‌ها شود. او همیشه منتظر است تا شب موعود فرا برسد و او را بدزدند. در روستای سوفی دزدی شبانه به روستا می‌آید و بچه‌ها را می‌دزدد. کمی بعد کتاب‌قصه‌های روستا داستان تازه‌ای را نشان می‌دهند که در آن بچه‌های دزدیده شده شبیه به پری دریایی و جادوگر شرور در قصه‌ها وجود دارند. سوفی همیشه منتظر است تا بیایند و او را با خود به دنیای قصه‌ها ببرند. بالاخره شبی که منتظرش بود می‌رسد. این کتاب را به تمام کودکان علاقه‌مند به داستان‌های جذاب و پرکشش پیشنهاد میکنیم

**بخشی از کتاب:**

اول، از بچه‌های خوش‌چهره شروع می‌کردند؛ موهایشان را کوتاه و دندان‌هایشان را سیاه و لباس‌هایشان را پاره می‌کردند تا زشت و نامرتب به نظر بیایند. بچه‌های زشت را هم حسابی می‌شستند و لباس‌هایی با رنگ‌های روشن تنشان می‌کردند. مادرها از بچه‌هایی که اخلاق و رفتار خوبی داشتند، می‌خواستند بدرفتاری کنند و خواهرهایشان را کتک بزنند. به بچه‌های شرور رشوه می‌دادند تا توی کلیسا دعا کنند و از بقیه خواسته می‌شد که سرود رسمی روستا را بخوانند. نام سرود این بود: «معمولی‌ها عاقبت‌به‌خیر می‌شوند».

اضطراب مردم شهر، مثل یک بیماری واگیردار شده بود. در یک کوچهٔ تاریک، آهنگر و قصاب، کتاب داستانِ ردوبدل می‌کردند تا با خواندنش سرنخی برای نجات پسرهایشان پیدا کنند؛ زیر برج کج ساعت، دوتا خواهر داشتند از تبهکاران افسانه‌ها فهرست درست می‌کردند تا از رفتارهایشان الگو بگیرند؛ یک گروه پسر خودشان را به‌هم زنجیر کرده بودند، چندتا دختر زیر شیروانی مدرسه قایم شده بودند و کودکی که ماسک زده بود، از لای بوته‌ها بیرون پرید تا مادرش را بترساند و همان‌جا یک اُردنگی بخورد! حتی عجوزه پیر بی‌خانمان هم وارد عمل شده بود و جلوی آتش بالاوپایین می‌پرید و می‌گفت: «کتاب داستان‌ها رو بسوزونین! همه رو بسوزونین!» اما هیچ‌کس گوش نمی‌داد و هیچ کتابی هم سوزانده نمی‌شد.

# وقتی کودک دست بلند کرد، والدین چه کنند

برای خیلی از والدین، لحظه‌ای که کودک عصبانی می‌شود و دستش را برای زدن بالا می‌برد، لحظه‌ای دشوار و گاه فرساینده است؛ به‌ویژه وقتی این رفتار تکرار می‌شود و پدر و مادر نمی‌دانند باید جلوی آن را بگیرند، بی‌توجهی کنند یا درباره‌اش با کودک حرف بزنند. اما پشت این رفتار چیست و والدین چطور می‌توانند به کودک یاد بدهند خشمش را به جای دست، با کلمات بیان کند؟در چنین شرایطی، مسئله فقط متوقف کردن دست‌بزن کودک نیست؛ بلکه باید دید پشت این رفتار چه احساسی قرار دارد و کودک چگونه می‌تواند راه دیگری برای بیان آن پیدا کند. دکتر ناهید کرمی، روان‌شناس کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایرنازندگی، از دلایل شکل‌گیری این رفتار، نقش الگوی والدین و شیوه مواجهه با کودک در لحظه پرخاشگری می‌گوید و تأکید دارد که هدف، صرفاً سرزنش رفتار کودک نیست، بلکه باید به او کمک کرد مهارت‌های لازم برای بیان احساسات و تنظیم هیجان را یاد بگیرد.

**وقتی کودک هنوز زبان احساساتش را بلد نیست**

ناهید کرمی درباره علت دست‌بزن داشتن برخی کودکان می‌گوید: دست‌بزن داشتن در کودکان معمولاً به این دلیل است که هنوز مهارت کافی برای بیان و تنظیم احساسات خود را یاد نگرفته‌اند. وقتی کودک عصبانی، ناکام یا ناراحت می‌شود، ممکن است خشمش را با رفتار فیزیکی نشان دهد.او ادامه می‌دهد: در سنین پایین، به‌ویژه حدود ۲ تا ۳ سالگی، این رفتار می‌تواند بخشی از روند طبیعی رشد باشد، اما طبیعی بودن به معنای نادیده گرفتن آن نیست و کودک باید به‌تدریج جایگزین‌های مناسب را یاد بگیرد.این روان‌شناس کودک و نوجوان همچنین الگوی رفتاری والدین، توجه گرفتن از طریق کتک زدن و تجربه‌های محیطی را از عواملی می‌داند که می‌توانند این رفتار را تقویت کنند. به گفته او، والد بهتر است ابتدا آرامش خود را حفظ کند، جلوی آسیب را بگیرد و احساس کودک را به زبان بیاورد. اگر دست‌بزن شدید، مکرر یا متناسب با سن کودک نیست، ارزیابی روان‌شناختی برای بررسی علت زمینه‌ای توصیه می‌شود.

**هر کتک زدنی، نشانه پرخاشگری نیست**

کرمی تأکید می‌کند که کتک زدن کودک همیشه به معنای پرخاشگری نیست. به گفته او، گاهی کودک هنوز نمی‌تواند خشم، ناراحتی یا خواسته‌اش را با کلمات بیان کند و در چنین شرایطی، رفتار فیزیکی می‌تواند جایگزین بیان کلامی احساسات شود. او می‌افزاید: گاهی هم کودک از طریق کتک زدن می‌خواهد توجه بگیرد یا به خواسته‌اش برسد. بنابراین مهم است علت رفتار را پیدا کنیم، نه اینکه فقط خود رفتار را سرزنش کنیم.این روان‌شناس کودک و نوجوان معتقد است با آموزش مهارت‌های بیان احساس، حل مسئله و تنظیم هیجان، می‌توان به کودک کمک کرد.

**کودکی که خشونت را می‌بیند، چه می‌آموزد؟**

کرمی درباره تأثیر تنبیه بدنی یا مشاهده دعوا و خشونت میان بزرگسالان بر رفتار کودک می‌گوید: تجربه تنبیه بدنی یا مشاهده خشونت می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه در کودک را افزایش دهد.

او توضیح می‌دهد: کودک بخش زیادی از رفتارهای خود را از طریق مشاهده و الگوبرداری یاد می‌گیرد. وقتی کودک می‌بیند اختلاف‌ها با کتک زدن یا خشونت حل می‌شوند، ممکن است همین الگو را یاد بگیرد. تنبیه بدنی همچنین می‌تواند احساس خشم، ترس و ناامنی را در کودک بیشتر کند.کرمی در عین حال تأکید می‌کند که این به معنای آن نیست که هر کودکی که خشونت را تجربه کرده، حتماً پرخاشگر خواهد شد و می‌افزاید: سن کودک، شدت و تکرار خشونت و کیفیت رابطه او با والدین نیز اهمیت دارد. به گفته او، ایجاد محیط امن و استفاده از روش‌های تربیتی بدون خشونت می‌تواند به اصلاح این الگو کمک کند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۰۲۶۷۹ | ۱۴۰۵۶۰۳۰ | مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلا معارض آقای حسین نیازاده بشماره شناسنامه ۹۶۲۶ و کد ملی ۰۰۷۷۲۴۲۳۶۱ فرزند یعقوب در شششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۵۷/۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۹۰ اصلی واقع در بخش ده تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق وشرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام تامبرده صادر خواهد شد. ۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۸/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۸/۲۴

۱۵۲۱۲/ م الف امید ملک –مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبا دشت تهران